

## بررسی و بازخوانی انتقادی و تکمیلی کتیبه «مناره کرات» باخرز (تایباد) و تاریخ‌گذاری بنا

فرهاد کارگر آریان<sup>۱</sup>؛ محمد خزایی<sup>۲</sup>؛ احمد صالحی کاخکی<sup>۳</sup>

۱. دکتری هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول، استاد گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: mkh@modares.ac.ir

۳. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲، ۷، ۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳، ۲، ۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳، ۲، ۲۱

### چکیده

**مقدمه:** «مناره یا میل کرات» واقع در روستای کرات از توابع شهرستان تایباد در استان خراسان رضوی ایران، از جمله بناهای کهنی است که در وضعیت خوبی بسر میبرد. پژوهش‌هایی که به مناره کرات پرداخته‌اند، آنچه از کتیبه این مناره باقی مانده است، کامل قرائت نکرده‌اند و در برخی از آن‌ها متن کتیبه و تاریخ‌گذاری بنا با یکدیگر متفاوت است. سازمان میراث فرهنگی ایران این اثر را به شماره ۱۲۳ به ثبت رسانده و آن را متعلق به قرن ۶ ه. ق می‌داند. پژوهش حاضر برای رفع اختلاف‌ها و ابهامات در متن کتیبه و تاریخ‌گذاری بنا درصدد پاسخ به این پرسش است که متن کتیبه این مناره و تاریخ ساخت آن چیست؟ روش پژوهش: پژوهش حاضر به روش کیفی انجام شده است. در این پژوهش اطلاعات پیرامون مناره کرات، از طریق مطالعات میدانی در محل مناره و بررسی‌های تطبیقی با مناره‌های ساخته شده در بازه زمانی قرن چهارم تا ششم هجری قمری حوزه جغرافیایی خراسان و مراجعه به منابع تکمیلی و همچنین نقد و بررسی دستاوردهای پژوهشگران این حوزه به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده و به روش توصیفی و تحلیلی ارائه شده است. یافته‌ها: این پژوهش با خوانش و بازسازی قسمت‌های باقی مانده از کتیبه این بنا به روش دیجیتال و تطبیق محتوای آن با منابع تاریخی دریافته است که مناره کرات یک مناره مستقل و مربوط به قرن ۴ ه. ق و احتمالاً دوره حکومت غزنویان در ایران بوده است که به دستور «شیخ ابوبکر» در سال‌های قرن ۴ ه. ق، بر سر راه مواصلاتی خوف به باخرز، در بالای تپه‌ای در مجاورت روستای کرات، ساخته شده است. به واسطه خوانش کتیبه و کشف تاریخ ساخت، مناره کرات کهن‌ترین مناره تاریخ‌دار در ایران است. نتیجه‌گیری: با توجه به شرفه داشتن این مناره بر محیط پیرامون، به نظر می‌رسد کاربرد آن استراتژیک بوده که در کنار مجموعه ارسلان جاذب، دو اثر مربوط به دوره غزنوی هستند که در خاک امروز ایران واقع شده‌اند.

### کلیدواژه

کتیبه، مناره کرات، تایباد، معماری، غزنوی

ارجاع به این مقاله: کارگر آریان، فرهاد، خزایی، محمد و صالحی کاخکی، احمد. (۱۴۰۳). بررسی و بازخوانی انتقادی و تکمیلی کتیبه «مناره کرات» باخرز (تایباد) و تاریخ‌گذاری بنا. پیکره، ۱۳(۳۶)، ۲۷-۴۰.

DOI: <https://doi.org/10.22055/pyk.2024.19089>



©2024 by the Authours. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

## مقدمه و بیان مسئله

آثار به‌جای مانده از ادوار و اعصار گوناگون در خاک ایران دارای تنوع بسیاری در نوع بنا و کاربرد و نوع ساخت است. شاید بتوان گفت خراسان نقش به‌سزایی در رشد و شکوفایی هنرها از جمله معماری داشته است. خراسان از نظر موقعیت جغرافیایی بسیار حائز اهمیت بوده است، زیرا بر شاهراه‌های تجاری و گذرگاهی قرار داشته و راه‌های مواصلاتی بسیاری از آن می‌گذشته است که شمال، جنوب، شرق و غرب را به یکدیگر پیوند و راه‌های ارتباطی شهرهای مختلف از جمله بلخ، سمرقند، بخارا، ری، اصفهان و ... همگی از خطه خراسان عبور داشته و دارند. عبور و مرور تجار و مسافران، حکومت‌ها را بر آن داشته که بر سر راه آنان، کاروانسراها و در برخی موارد در نزدیکی آن‌ها میل‌های راهیابی و بناهایی عام‌المنفعه دیگری از این دست بسازند. در میان آثار به‌جای مانده در ملک خراسان، مناره‌های بسیاری برجای مانده است که هر کدام از آن‌ها به‌تنهایی سند هویتی از نوع معماری، تزئینات، تکنیک و قدرت مستقر در آن زمان و مکان را به‌نمایش می‌گذارد. «مناره کرات» می‌تواند از جمله آن‌ها باشد. انتخاب این مناره از آن جهت حائز اهمیت است که بنا دارای تاریخ ساخت روشنی نبوده و قرائت‌های گوناگونی از کتیبه آن شده است و در متن کتیبه و سال ساخت آن اختلاف نظرهایی وجود دارد. فهم این موضوع می‌تواند به روشن شدن تاریخ این منطقه و همچنین روند تاریخی تغییر مناره‌های خراسان کمک کند. نتایج حاصل شده امکان تغییر دارند. در اغلب کتاب‌ها مناره برابر است با جای نار و نور و به‌طور واضح‌تر آتشگاه و روشنایی‌گاه که کلمه مؤذنه و برج راهنمایی نیز به آن اطلاق گردیده است مناره، جدای از اهداف از نظر گذشته، برای بیان قدرت حاکمه بر جامعه نیز ساخته می‌شود و به‌نحوی شکوه و جلال مناره و هر سازه‌ای از این دست نمایشی بصری از قدرت حاکمه بر آن سرزمین خواهد بود. نمایشی توأمان از میزان ثروت و قدرت مهندسی و ظرافت طراحی و شناخت زیبایی در یک بنا، برای بیان مفهوم کلی از واژه قدرت، است. مناره کرات از کهن‌ترین مناره‌های موجود در ایران است. به‌دلیل اهمیت این مناره از حیث قدمت، ساختمان، طراحی کتیبه و تزئینات و همچنین نبود مطالعه دقیق بر روی این بنا و قرائت‌های ناقص و بعضاً نادرست از کتیبه موجود در این بنا؛ عدم تاریخ‌گذاری دقیق انتخاب شده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. از اهداف این پژوهش، دستیابی به نام بانیان احتمالی و زمان ساخت این اثر و اهداف و انگیزه‌های آنان، خوانش کتیبه و زوایای پنهان در متن آن است. همچنین تلاش نگارندگان این است که به شناخت و بازیابی نقوش تزئینی و تکنیک‌ها و تنوع اشکال کار شده به‌وسیله ترسیم آن‌ها پی‌ببرد. بدین روی، پرسش اصلی پژوهش حاضر چنین است که متن کتیبه این مناره و تاریخ ساخت آن چیست؟

## روش پژوهش

رویکرد مورد استفاده در این پژوهش کیفی است. قسمت عمده گردآوری مطالب و یافته‌ها با استفاده از مطالعات میدانی و بررسی‌های به‌عمل آمده در محل مناره صورت گرفته است. با توجه به تاریخی بودن اثر در مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، استفاده از منابع تاریخی دست اول و متأخر برای قسمت‌های تاریخی در اولویت بوده است. در این پژوهش داده‌ها پیرامون مناره کرات به‌روش توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

## پیشینه پژوهش

دربارهٔ منار و مناره و مؤذنه در پژوهش‌های هنر و معماری اسلامی سخن بسیار رفته است، لیکن به‌طور خاص دربارهٔ «منارهٔ کرات» بسیار اندک سخن گفته شده است. «دیز» (۱۹۱۸)، پژوهشگر اتریشی، در کتابی با عنوان «Churasanische baudenkmaler» که در سال‌های اولیهٔ قرن ۲۰ م به‌نگارش درآورده، منارهٔ کرات را به‌ثبت رسانده و توضیحاتی بیان کرده است. دیتز قسمتی از کتیبهٔ بنا را بازخوانی کرده است. همچنین، نویسندگان مقالهٔ «بررسی میل، مناره‌های خراسان با تأکید بر نقش سازه‌ای و محتوای کتیبه‌های آن‌ها» «فرجی و اکبری» (۱۳۹۲) در این اثر سعی در بررسی چند منارهٔ کهن خراسان کرده‌اند که منارهٔ کرات یکی از گزینه‌های مورد بررسی آن‌هاست. این مقاله محتوای کتیبه‌ها را متفاوت از آنچه دیتز بیان کرده، آورده است که در متن مقاله به آن اشاره شده است. «بلر» (۱۳۹۴) نیز در کتاب «نخستین کتیبه‌ها» به‌طور بسیار خلاصه به این مناره پرداخته و قسمتی از متن کتیبهٔ بنا را آورده است. وی سال ساخت آن را حدود سال ۵۰۰ ه.ق بیان می‌کند. قرائت‌های این محققان از متن کتیبهٔ منارهٔ کرات و دستاوردهای آنان به‌طور کامل در متن این پژوهش آورده شده و مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با مطالعه و بررسی دستاوردهای پژوهشگران پیشین، یافته‌های آنان را با مطالعات میدانی و تاریخی به‌همسنگی گذاشته و با استفاده از روش‌های نوین در مطالعهٔ تصاویر، به‌کمک بازسازی‌های رایانه‌ای، موفق به‌خوانش کتیبهٔ مناره شده و از طریق استناد به کتیبهٔ بنا، تاریخ ساخت آن را دریافته است.

## جغرافیای تاریخی قهستان

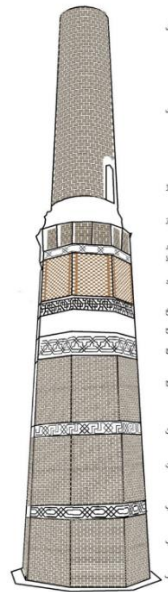
قهستان خود «از جمله خراسان است بر حد بیابان فارس و کرمان و در آنجا هیچ شهر نیست بدین نام و این نام ولایت است» (جیهانی، ۱۳۶۸، ۱۷۰). «لسترنج» ایالت قهستان را همان «تونوکاین» دانسته و شهرهای قائن، تون، ترشیز، بشت، زاوه، بوزجان و زام، باخرز و مالن، خواف، زیرکوه، گناباد، بجستان، طبس و ... را جزء ایالت قهستان دانسته است (لسترنج، ۱۳۸۶، ۳۷۹). این منطقه مانند دیگر نقاط خراسان در حدود سال ۳۰ هجری توسط اعراب فتح شد (بلاذری، ۱۳۳۷، ۱۵۹). مسلمانان با فتح قهستان توانستند به خراسان دست پیدا کنند. آنان قهستان را «باب خراسان» نامیدند (مقدسی، ۱۳۸۵، ۳۲۱). شهرستان تایباد از شمال به شهرستان تربت جام، از جنوب و غرب به شهرستان تربت حیدریه و از مشرق به کشور افغانستان محدود است. شهر تایباد (طیبات) مرکز این شهرستان تا مرز افغانستان ۲۳ کیلومتر و تا مشهد ۲۵۰ کیلومتر فاصله دارد و بخش مهم آن شامل دهستان‌های پایین‌ولایت، میان‌ولایت و بالاولایت است. این شهرستان تا سال ۱۳۵۵ خورشیدی یکی از بخش‌های شهرستان تربت جام بوده است. کرات روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان تایباد در استان خراسان رضوی و در ۲۵ کیلومتری جنوب تایباد بر کنار راه قدیمی تایباد به خواف قرار دارد. باخرز یکی از بخش‌های شهرستان تایباد در استان خراسان رضوی ایران بود که در مردادماه سال ۱۳۸۹ به شهرستان تبدیل شد؛ اما در گذشته این نام به تمام نواحی تایباد اطلاق می‌شده است و تایباد یا طایباد در منابع مختلف قریه‌ای از باخرز شمرده شده است (خسروی، ۱۳۹۳). از تایباد در فاصلهٔ ۲۵ کیلومتری سمت جنوب، منطقهٔ دهنه و کرات قرار دارد. روستایی که روزگاری مأمّن مسافران و رهنوردانی بوده است که از خواف به باخرز و هرات می‌رفته‌اند یا از هرات به سمت نیشابور در سفر بوده‌اند. بر بالای تپه‌ای در مجاورت روستای کرات مناره‌ای رخ می‌نماید که یادگاری است از روزگار کهن که بر رخسارهٔ این روستا می‌درخشد و نام خود را از این روستا به‌عاریت گرفته است.

## مناره کرات

از شواهد محیط می‌توان اینگونه بیان کرد که میل کرات (تصاویر ۲ و ۳)، مناره‌ای منفرد بوده است که بر سر راه مواصلاتی خواف به باخرز ساخته شده است و به احتمال بسیار کاربرد اصلی آن دیده‌بانی و راهیابی بوده است. «این یک مناره وابسته به مسجد نیست، زیرا در بالای تپه نسبتاً شیب‌دار قرار دارد که هیچ جایگاهی برای گسترش آن ندارد» (Diez, 1918, 49). این مناره که امروزه ۲۵ متر از آن باقی مانده است، دارای دو قسمت اصلی در ساقه است. قسمت اول که از روی تپه آغاز شده و تا ارتفاع ۱۵ متری بالا می‌رود به صورت هشت‌وجهی ساخته شده است (بر بالای این قسمت یک شرفه/ غلام‌گردش یا مؤذنه موجود بوده که امروزه فقط آثاری از آن مانده است). در ادامه یک استوانه به ارتفاع ۱۰ متر بر روی هشت‌وجهی زیرین اجرا شده است که در گذر سالیان کمی دچار انحراف به سمت جنوب و غرب شده است. مناره در بیرونی‌ترین لایه خود دارای یک پلان هشت‌وجهی است. اغلب مناره‌های موجود در خاک خراسان امروزی بر پایه‌ای مدور استوار هستند (مناره فیروزآباد<sup>۴</sup> و مناره ایاز<sup>۵</sup>) و اگر پلان آن‌ها دایره نباشد، این چرخش از چندوجهی به دایره در قسمت‌های پایین مناره انجام می‌گیرد؛ به نحوی که آن را می‌توان سکو نامید و از مناره منفک دانست (مانند مناره خسروگرد<sup>۶</sup>). مناره کرات در لایه دورنی مدور است و هسته مرکزی آن نیز به شکل هشت‌ضلعی ساخته شده است.



تصویر ۳. مناره کرات، سمت غربی مناره. منبع: نگارندگان.



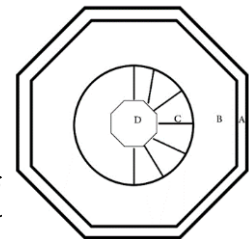
تصویر ۲. طرح بازسازی شده مناره کرات. منبع: نگارندگان.



تصویر ۱. مناره کرات. منبع: نگارندگان.

هسته مناره کرات یکی از شاخصه‌های این مناره محسوب می‌شود. در مناره‌های موجود در خاک خراسان، کرات تنها مناره موجود است که هسته آن هشت‌ضلعی است. «در خود ایران شاید تنها مناره هشت‌ضلعی که هنوز نقش مهمی ایفا می‌کند، مناره [یا میل] کرات باشد» (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۲۳۲). هسته مناره به وسیله پله‌ها که حول آن در

گردشند به بدنهٔ مدور مناره متصل و باعث استحکام بنا شده‌اند. در مناره‌های خسروگرد و فیروزآباد در هر پله یک چوب کارگذاری شده است و نقش عنصر نگه‌دارنده را ایفا می‌کند. لیکن در مناره کرات چنین چیزی لحاظ نشده است و خشت‌ها به صورت کلاف درهم تنیده شده و از هسته به بدنهٔ مناره وارد می‌شوند و نقش نگه‌دارندگی بنا را ایفا می‌کنند و در عین حال کارکرد اصلی خود را که همان دسترسی به ارتفاعات مناره است نیز در خود دارند. کلیت مناره را می‌توان به بخش‌های سازندهٔ آن تقسیم کرد. بخش نخست آن پایهٔ مناره است که بستر نگه‌دارندهٔ مناره را تشکیل می‌دهد و برای ببیننده قابل رویت نیست و در داخل زمین کار شده است؛ چراکه درب ورودی ساختمان بر روی سطح زمین قرار دارد و این امر نشان از محکم‌سازی بستر تپه برای برپایی مناره است. امروزه متولیان میراث فرهنگی ایران بستری حدود ۴۰ سانتیمتر دور تا دور مناره را به‌سازی کرده و حالتی حریم‌گونه برای مناره فراهم کرده‌اند (تصاویر ۱ و ۲). بخش دوم را می‌توان ساقهٔ هشت‌وجهی مناره دانست. این قسمت از مناره را می‌توان مهمترین آن‌ها دانست؛ چراکه تمامی تزئینات بنا و کتیبهٔ دستور ساخت بر روی آن اجرا شده است و از طرف دیگر با ۱۵ متر ارتفاع بیشترین سهم از مناره را به‌خود اختصاص داده است. این قسمت از بنا که هر وجه آن حدود ۲ متر است، دارای یک ساختار ساده و چندقسمتی است. به این صورت که دیواره‌ها با آجرکاری ساده به سمت بالا در حرکت هستند و نوارهای آجر تراش تزئینی دور مناره را مانند حلقه ای دربر می‌گیرند (تصویر ۳). ضخامت دیوارهٔ مناره در ضخیم‌ترین قسمت آن حدود ۱۳۵ سانتیمتر است که هر چه به سمت بالا حرکت می‌کند از ضخامت آن کاسته می‌شود. ضخامت دیوار در قسمت‌های زیر شرفه حدود ۹۰ سانتیمتر می‌شود و در بلندترین قسمت بنا (انتهای استوانهٔ مناره) به ۴۰ سانتیمتر می‌رسد. شایان ذکر است قطر دیوارهٔ بیرونی بنا در ارتفاعات می‌توانسته از این کمتر باشد که متأسفانه امروزه از بین رفته است. در این مناره همچون اغلب مناره‌های ایرانی، پله‌ها حول محور مرکزی در چرخشند و به سمت بالا در حرکتند. پله‌های این مناره در پایین‌ترین قسمت آن حدود ۸۵ سانتیمتر محل عبور دارند (فاصلهٔ بین دیوارهٔ داخلی و هستهٔ مرکزی) چنین به نظر می‌رسد. کل ساختمان مناره با آجرهای ۲۵×۲۵ سانتیمتر با ضخامت ۴ سانتیمتر ساخته شده است. هر چهار خشت یک پله را تشکیل می‌دهد. در عین حال اگر هر پله را یک مثلث در نظر بگیریم، ضلع بزرگتر آن دهانهٔ پله است که با احتساب هستهٔ مرکزی حدود ۱۱۵ سانتیمتر است. این اندازه در ارتفاع میانی مناره به ۸۶ سانتیمتر می‌رسد و در انتهای مناره حدود ۶۰ سانتیمتر است (تصویر ۴). ارتفاع پله‌ها با تفاوت‌های جزئی در کل مناره حدود ۳۰ سانتیمتر است. ابعاد پله در پایین‌ترین قسمت ۱۱۵ - ۱۱۰ - ۳۵ سانتیمتر است (تصویر ۵).



تصویر ۴. پلان مناره کرات. منبع: نگارندگان.



تصویر ۵. پلان پله، مناره کرات. منبع: نگارندگان.

۱. هسته: هستهٔ مناره کرات در دو قسمت تحتانی و فوقانی متفاوت می‌شوند. در قسمت ابتدایی بنا که تا ارتفاع ۱۵ متری مناره را نگه می‌دارد، ساختار هشت‌ضلعی منظم دارد و مانند جدارهٔ بیرونی مناره است. هر ضلع آن حدود ۶۰ سانتیمتر است که متشکل از ۳ عدد خشت است. در این مناره برای ارتباط هسته و بدنهٔ مناره از هیچ

عنصر نگه‌دارنده‌ای استفاده نشده است. تنها خشت و ملات گچ و آهک و ماسه استفاده شده است. برای استحکام بنا خشت‌ها به صورت کلاف در یکدیگر گره خورده‌اند و ردیف‌های زیرین بار ردیف‌های بالا را بردوش می‌کشند و خشت‌های پله‌ها خود جزوی از هسته و بدنه مناره هستند (تصویر ۷). این نوع از چیدمان آجرها تا انتهای قسمت تحتانی مناره - تا قسمت شرفه - ادامه دارد. بعد از ساخت شرفه و سکو مانند آن، در ارتفاع ۱۵ متری سطح زمین، مناره ساختار استوانه‌ای به خود می‌گیرد و به صورت آجرچین ساده اجرا می‌شود. هسته مناره در این قسمت بسیار ظریف اجرا شده است. این قسمت از مناره هسته‌ای مستقل ندارد و عملاً فاقد هسته است. نگهداری این قسمت از بنا با پله‌های بنا انجام می‌شود. در این قسمت، خشت‌های نخست پله‌ها به صورت گردشی بر روی هم قرار می‌گیرند و گره ایجاد می‌کنند (به اینگونه که دو مربع بر روی یکدیگر قرار بگیرند و با هم نقش یک شمشه را ایجاد کنند). به اینگونه هسته‌ای در مرکز مناره ایجاد کرده‌اند که پله‌ها و بدنه بر روی آن اتکا دارند و همه اجزا به یکدیگر وابسته‌اند.



تصویر ۷. شرفه، مناره کرات. منبع: نگارندگان.



تصویر ۶. هسته قسمت دوم مناره کرات. منبع: نگارندگان.

**۲. شرفه یا مؤذنه:** در ساخت بدنه، هسته و پله‌های مناره کرات (حداقل در بخش‌های برجای‌مانده این مناره) از چوب استفاده نشده است و تنها در قسمت شرفه این مناره آثار استفاده از چوب مشهود است. برای ساخت این قسمت از مناره، در هر ضلع از هشت‌وجهی یک تیزه با استفاده از آجرهای پیش‌رانده ایجاد شده است. به این منظور، آجرها را به شکل پیش‌آمده بر روی یکدیگر اجرا کرده‌اند و این روند در ۱۷ رج تکرار شده است (تصویر ۶). پس از طی این هفده رج، تیزه آجری حدود ۳۰ سانتیمتر از مناره گسترده‌تر می‌شود. بر روی این تیزه‌ها چوب‌های نگه‌دارنده شرفه (مؤذنه) در داخل بدنه مناره کارگذاری شده‌اند. این چوب‌ها که ضخامتی حدود ۲۰ سانتیمتر دارند، از داخل مناره قابل دیده شدن هستند. به عبارتی، این چوب‌ها حدود ۹۰ سانتیمتر داخل دیواره مناره کار شده‌اند و حدود ۳۰ سانتیمتر بر روی شرفه قرار گرفته‌اند (تیزه‌های برآمده شده از بدنه مناره). چنین به نظر می‌رسد که حداقل ۶۰ سانتیمتر از تیزه‌ها جلوتر بوده باشند و یک حریم حدود ۸۰ سانتیمتری برای مؤذن یا نگهبان/دیدبان در نظر گرفته‌اند. به نظر می‌رسد همان اندازه که چوب در داخل بدنه مناره بوده در خارج از بدنه نیز بوده است. بر روی این چوب‌ها در داخل مناره، چیزی حدود ۶۰ سانتیمتر کف‌سازی صورت گرفته است که بقایای آن

بر بدنهٔ میل -مخصوصاً زیر در ورودی مؤذنه- قابل مشاهده است و به‌نظر می‌رسد در قسمت بیرونی مؤذنه برای زیبایی آن از مقرنس بهره برده شده است (تصویر ۷). برای دسترسی به این قسمت از مناره درگاهی با ابعاد ۱۷۰ سانتیمتر ارتفاع -بیشینه- و ۵۰ سانتیمتر عرض بالای قسمت هشت‌وجهی بنا و در قسمت استوانه‌ای مناره در جهت مغرب (متضاد با در اصلی بنا) ایجاد کرده‌اند.

**۳. استوانهٔ فوقانی:** بعد از شرفه که خط انتهایی قسمت هشت‌وجهی میل کرات محسوب می‌شود، بنا به‌شکل استوانه آغاز می‌شود. این قسمت از بنا که حدود ۱۰ متر ارتفاع دارد، در پایین‌ترین قسمت خود حدود ۳ متر قطر دارد و با ارتفاع گرفتن مناره از قطر آن کاسته شده که در بالاترین قسمت حدود ۲ متر و ۳۰ سانتیمتر قطر مناره است. این بخش از مناره را می‌توان فاقد هسته دانست و تنها پله‌های گردان داخلی با اتکابه یکدیگر و جدارهٔ بیرونی را عامل نگه‌دارندهٔ بنا دانست. ضخامت جدارهٔ بیرونی در پایین‌ترین قسمت حدود ۷۰ سانتیمتر و در بلندترین قسمت برجای مانده در منارهٔ کرات حدود ۴۰ سانتیمتر است. در این قسمت یک خشت در مرکز مناره قرار داده شده و از آن به‌سمت جدارهٔ مناره آجرچینی کرده‌اند. رج دیگر بر روی این رج انجام می‌گیرد و حدود ۵ سانتیمتر جلوآمدگی دارد که این امر باعث ایجاد دوران حول همان مرکز مناره می‌شود. در این بنا از آجرهای اول سازندهٔ پله‌ها به‌عنوان هستهٔ مرکزی بنا استفاده شده است. ضعیف بودن هستهٔ مرکزی می‌تواند یکی از دلایلی باشد که این مناره از این قسمت دچار انحراف شده است؛ همچنین می‌توان از فروریختن بخش شرفهٔ بنا به‌عنوان یکی از دلایل انحراف مناره نام برد؛ چراکه شاکلهٔ بخش استوانه‌ای بنا بر روی این قسمت پایه‌ریزی شده است.

**۴. تزئینات جدارهٔ بیرونی مناره:** جدارهٔ بیرونی منارهٔ کرات را می‌توان به دو بخش چندوجهی و استوانه‌ای تقسیم کرد. می‌توان گفت بار اصلی مناره بر روی بخش اول قرار دارد؛ چراکه تمامی نقوش و تزئینات مناره را در خود جای داده و سوای از این منظر، از نظر کمیت نیز حجم بیشتری از مناره را تشکیل می‌دهد. این قسمت از مناره یک هشت‌وجهی تقریباً منتظم است که هر ضلع آن حدود ۲ متر عرض دارد. مناره با آجرچینی ساده آغاز شده و تا ارتفاع حدود ۲ متر (۳۴ رج) به‌همین شکل ادامه می‌یابد. در ورودی بنا در جبههٔ شرقی مناره با ابعاد ۷۰ در ۱۷۰ سانتیمتر تعبیه شده است. پس از ۳۴ رج اولیهٔ بنا، اولین نوار تزئینات آجرکاری آغاز می‌شود. نوار حاشیهٔ آجرتراش‌های این مناره از دیگر آجرهای مناره جلوتر (پیش‌آمده، برجسته) کار شده است. اولین نوار آجرتراش‌ها با ارتفاع حدودی ۵۰ سانتیمتر با استفاده از تکنیک برجسته‌کاری اجرا شده‌اند (تصویر ۸).



تصویر ۸. اولین نوار آجرتراش، منارهٔ کرات. منبع: نگارندگان.



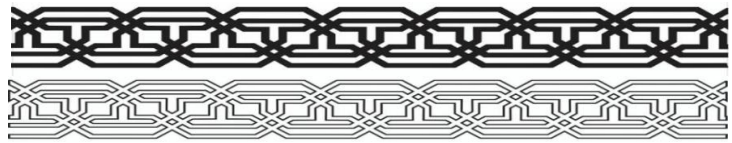
پس از اجرای این نوار از تزئینات مناره مجدد به‌صورت ساده اجرا شده است و باز هم حدود ۲ متر آجرکاری ساده صورت گرفته و در ادامه نوار تزئیناتی بعدی مناره اجرا شده است که حدود ۵۰ سانتیمتر ارتفاع دارد (تصویر ۹).



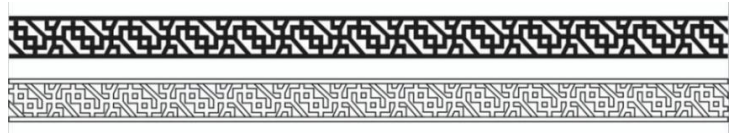
تصویر ۹. دومین نوار آجرتراش، منارهٔ کرات. منبع: نگارندگان.



سازندگان مناره کرات با استفاده از آجرهای ساده، توانسته‌اند نوارهای تزئینی را ایجاد کنند. دومین نوار تزئینی این مناره که نقشی از سواستیکار<sup>۷</sup> را القا می‌کند، در ارتفاع ۴ متری مناره اجرا شده است. از این نقش در بسیاری از آثار هنر ایران استفاده شده است. در خراسان و در بازه زمانی حکومت بنی‌امیه و خلفای عباسی بسیار نادر است و با روی کار آمدن دودمان‌های شرقی استفاده از آن مجدد به چشم می‌خورد و در دوره سلجوقی استفاده از آن بسیار رایج می‌شود. از این دست می‌توان مناره خسروگرد (۵۰۵) را نام برد. در چرایی استفاده از این نقش و نقش چلیپا که در نوارهای تزئینی این مناره بسیار به کار رفته است، سخن بسیار می‌توان راند که در این راستا پژوهش دیگری می‌طلبد. بعد از این نوار تزئینی، آجرکاری ساده مجدد در ۳۵ رج اجرا شده است. نوارهای تزئینی سوم، چهارم و پنجم در این قسمت اجرا شده است که از نظر ابعاد برابر با دیگر نوارهای تزئینی کار شده در این مناره هستند و حدود ۵۰ سانتیمتر عرض دارند. این قسمت از مناره شامل سه نوار است که نوار مرکزی را کتیبه بنا از آن خود کرده است که البته امروزه چیز چندانی از آن برجای نمانده است. دو نوار تزئینی در بالا و پایین کتیبه کار شده‌اند که می‌تواند به نوعی تداعی‌کننده تذهیب/آرایش کتیبه بنا باشد. این امر در اکثر مناره‌ها دیده می‌شود که از این دست می‌توان به مناره «خسروگرد» و مناره «فیروزآباد» اشاره کرد (تصاویر ۱۰ و ۱۱) بعد از این نوار تزئینی که طرحی از چلیپا و سرمه‌دان را به نمایش می‌گذارد، کتیبه بنا به خط کوفی ساده اجرا شده است. آنچه از متن این کتیبه به جای مانده، نشان می‌دهد که متن کتیبه شامل دستور ساخت اثر بوده است که در ادامه به آن پرداخته شده است. بعد از اجرای کتیبه بنا، نوار تزئینی دیگر گردبردگرد مناره ساخته شده است.

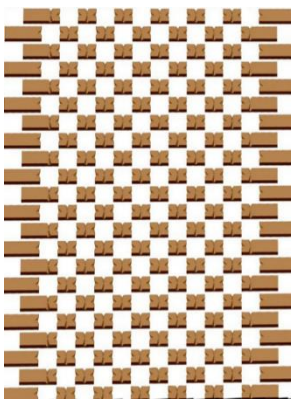


تصویر ۱۰. سومین نوار آجرتراش، مناره کرات. منبع: نگارندگان.



تصویر ۱۱. چهارمین نوار آجرتراش، مناره کرات. منبع: نگارندگان.

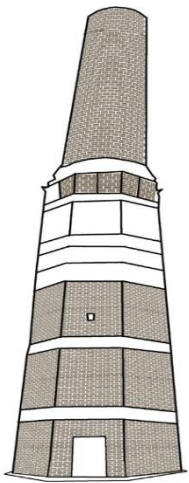
بعد از این نوارهای تزئینی در قسمت فوقانی هشت‌وجهی مناره کرات، طرحی اجرا شده که شاید بتوان گفت منحصرأ در همین مناره اجرا شده است. بر روی دیواره‌های بیرونی هشت‌وجهی مناره در ارتفاع حدود ۱۳ متری و در آستانه شکل‌گیری شرفه با آجرکاری ساده قاب‌هایی ایجاد شده است. درون این قاب‌ها با آجرهای تراش ۱۰ سانتیمتری نقشی از شمسه اجرا شده است (تصویر ۱۲). آجرهای این قسمت به گونه‌ای تراشیده شده‌اند که این آجرها در کنار یکدیگر و با استفاده از فاصله ایجاد شده بین آن‌ها به وسیله بند، نقش شمسه را در فضای منفی خود ایجاد می‌کنند. به عبارتی دیگر، در این قسمت از بنا، ایجاد و ساخت یک نقش/موتیف شناخته شده در هنر اسلامی را به وسیله شناخت طراحان و معماران از فضای منفی آن می‌بینیم. چیزی که اغلب در کتیبه‌های معقلی و کوفی‌های بنایی می‌توان مشاهده کرد، بر روی این قسمت از بنا دیده می‌شود. این نقش در ۲۲ رج و ۸ وجه مناره ایجاد شده است. پس از این قاب‌های آجرتراش، نوار تزئینی دیگری مناره را دربر می‌گیرد که طرح ساده شده‌ای از نقش شماره ۱ همین مناره است و شاید بتوان گفت از همان طرح به گونه‌ای تغییر یافته برای اجرای این بخش از مناره بهره جسته‌اند (تصویر ۱۳). در ادامه این قسمت از مناره، بر روی این نوار تزئینی بنا آماده شکل‌گیری



تصویر ۱۲. قاب آجرتراش. مناره کرات. منبع: نگارندگان.

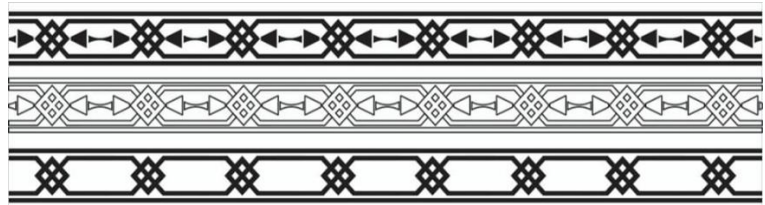


(بالکن) شرفه یا مؤذنه می‌شود. در این قسمت هر وجه بنا به دو قسمت تقسیم شده و آجرهای کار شده به صورت جفت بر روی یکدیگر اجرا شده اند (تصویر ۱۴). این نوع از آجرکاری را در مناره «ایاز» هم می‌توان مشاهده کرد. در اینجا بندها کمی عمیق‌تر هستند و سایه‌های شدیدتری ایجاد می‌کنند. بر بالای هر کدام از زوایای بدنه مناره آجرهای پیش‌آمده کار شده‌اند و بر روی یکدیگر با پیش‌آمدگی اندکی سوار شده‌اند؛ به گونه‌ای که در طی ۷ رج آجرچینی جفتی حدود ۳۰ سانتیمتر از بدنه مناره به پیش رانده شده‌اند. دور تا دور مناره ۱۶ ستون از این نوع آجرچینی انجام شده است که بر روی آن‌ها چوب‌هایی کار گذاشته شده‌اند. این چوب‌ها که داخل بدنه مناره کار شده‌اند، احتمالاً حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ سانتیمتر طول داشته‌اند. از این مقدار ۹۰ سانتیمتر داخل بدنه مناره جای‌گذاری شده است و حدود ۳۰ سانتیمتر نیز بر روی ستون‌های ایجاد شده بر روی بدنه مناره سوار شده‌اند و حدود ۶۰ تا ۸۰ سانتیمتر می‌توانسته از بدنه مناره فاصله بگیرد که انسان بتواند در آن به راحتی تردد داشته باشد. برای دسترسی به این قسمت از بنا، دربی در جبهه غربی قسمت استوانه‌ای مناره تعبیه شده است. با توجه به محل قرارگیری بنا و مرتفع بودن آن می‌توان این مناره را از مناره‌های استراتژیک خواند. مناره‌هایی که سویی از بحث راهیابی کاروانیان، به‌عنوان برج‌های دیده‌بانی یا نگهبانی از آن‌ها استفاده می‌شده است. با اتمام شرفه/ مؤذنه، ساختار هشت‌وجهی مناره به‌تمام می‌رسد و بنا به صورت استوانه‌ای کوچک در مرکز آن به سمت بالا ادامه مسیر می‌دهد. آجرکاری این قسمت به صورت کاملاً ساده اجرا شده است و متأسفانه قسمتی از بنا امروزه موجود نیست و تنها تا ارتفاع ۱۰ متر از سطح مؤذنه باقی مانده است. بنا می‌توانسته در ادامه خود سطحی برای دیده‌بانی یا آتش‌افروزی داشته باشد، لیکن در این باره نمی‌توان مطمئن بود، اما با توجه به مکان آن، دور از ذهن نیست.



تصویر ۱۴. طرح بازسازی شده مناره کرات. منبع: نگارندگان.

تصویر ۱۳. پنجمین نوار آجر تراش. مناره کرات. منبع: نگارندگان.



۵. کتیبه: در حال حاضر، مناره کرات را یک کتیبه که در بین دو نوار آجر تراش تزئینی اجرا شده، مزین کرده است. این کتیبه که در اثر گذر سالیان، بسیاری از آن فرو ریخته و آن را به شدت ناخوانا کرده است، می‌تواند راهگشای بسیاری از سؤال‌های مرتبط با این مناره باشد. کتیبه در هشت وجه مناره اجرا شده است که پژوهش حاضر برای روشن شدن و بیان دقیق‌تر آن را به هشت شماره تقسیم و شماره یک را برای قسمت آغازین آن اتخاذ می‌کند. در قسمت آغازین مناره، در جبهه شرقی و بر بالای در ورودی بنا، دستور ساخت آغاز می‌شود. «دیتز» متن کتیبه را اینگونه بیان می‌کند ... امر به بنا هذا المناره ال شیخ .... (Diez, 1916, 49). «بلر» نیز به کتیبه مناره کرات پرداخته و متن آن را چنین می‌آورد: «بسمله امر ببناء هذا المناره الشيخ ...» (Blair, 1992, 207). متن کتیبه بنا غیرقابل خوانش احتمال دارد آیات قرآنی مفروض شده باشند (فرجی و اکبری، ۱۳۹۲). در بررسی‌های به عمل آمده از سوی نگارندگان این پژوهش، در محل مناره و تصویربرداری‌های متعدد و بازسازی متن کتیبه‌ها به روش دیجیتال، نگارندگان توانسته‌اند بخش دیگری از کتیبه این مناره را بازخوانی کرده و به وسیله آن از نقاط مبهم مانده مناره کرات را دریابند که در ادامه به این موضوع پرداخته شده است. بخش‌های این کتیبه

شامل: ۱. تقبل الله منه بسم الله. ۲. الرحمن الرحيم. ۳. امر بنا هذه. ۴. المناره الشيخ. ۵. ابوالبکر. ۶. (کاملاً از بین رفته است). ۷. (کاملاً از بین رفته است). ۸. .... و ثلثمائه (تصویر ۱۵).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



أَمْرُنَا هَذِهِ



الْمَنَارَةِ الشَّيْخِ



أَبُو بَكْرٍ



أَبُو بَكْرٍ



وَأَبُو بَكْرٍ

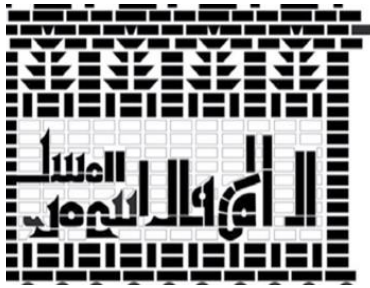


تصویر ۱۵. کتیبه بازسازی شده مناره کرات. منبع: نگارندگان.

قسمت‌های مهم این خوانش بخش ۵ و ۸ و این کتیبه است که شامل نام بانی و تاریخ ساخت آن است. با مشخص شدن نام بانی و پژوهش در خصوص شیخ ابوالبکر در بازه زمانی حدود قرن ۴ و ۵ هجری، نگارندگان به چهار شخص صاحب نفوذ که با نام ابوبکر می‌زیسته‌اند، برخورد کرده‌اند. ۱. «محمد بن عباس خوارزمی» مشهور به «أَبُو بَكْرٍ خَوَارِزْمِي» (۳۲۳-۳۸۳ق)<sup>۲</sup>. ۲. «فقیه ابوبکر نیهی»<sup>۳</sup>. ۳. «ابوبکر حصیری»<sup>۴</sup>. ۴. «شیخ ابوبکر قهستانی». ابوبکر قهستانی که نام کامل او را «علی بن حسن قهستانی» آورده‌اند، از بزرگان ادب و شعر و سیاست قهستان در دوره غزنوی بوده است. ولادت و وفات او در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و در کتب تاریخی درباره این موضوع

سخنی نرفته است. «هدایت» در باب وی چنین می‌نویسد: «گویند از علمای قهستان بوده و مذاق معاصرین خود را به شهد کلام خود شیرین می‌نموده زیاده از احوالش اطلاعی نیست» (هدایت، ۱۳۸۱، ۳۱۰). «آیتی»، درباره ابوبکر قهستانی به‌تفصیل سخن گفته است. وی از زبان «گردیزی» می‌نویسد: «عمید ابوبکر علی بن حسن قهستانی از بزرگان فضلا و ادبای خراسان و در عهد سلطان محمود غزنوی و پسرانش در آن دیار به فضل و کرم و ادب اشتهاری فوق‌العاده داشته، ابتدا در خدمت امیر محمد بن محمود می‌زیسته و از طرف سلطان محمود به این خدمت منصوب شده و اخیراً به سمت ریاست دارالانشاء و صاحب‌دیوانی امیرمحمد رسیده و در سال ۴۰۸ ه.ق سلطان پسرش امیر محمد را خلعت داده و به ولایت کوزگان فرستاد، ابوبکر قهستانی نیز با او روان شد» (آیتی، ۱۳۷۱، ۱۷۷). آنچه از منابع استخراج می‌شود، نشان از هوش و درایت وی دارد. در جوانی در دربار محمود غزنوی از ندیمان بوده و با کشف رمزنامه خلیفه به محمود، توجه او را معطوف خود کرده و به خاصگان دربار تبدیل می‌شود که در سال ۴۰۸ ه.ق همراه با امیرمحمد به ولایت گوزگان فرستاده می‌شود. «ولایت گوزگانان مر امیرمحمد را رحمت‌الله داد و او را همچنان خلعت داد و نیکوی گفت و سوی گوزگانان گسیل کرد و ابوبکر قهستانی‌ای را با او بفرستاد» (گردیزی، ۱۳۶۳، ۳۹۷). قهستانی تا سال ۴۲۱ ه.ق که محمود بدورود حیات می‌گوید، در خدمت محمد است و در زمان حکومت یک‌ساله محمد ریاست دارالانشاء را برعهده می‌گیرد و لقب «عمید» می‌گیرد. عمید لقب ابوبکر قهستانی در زمان امیرمحمد غزنوی بود. عمید لقب رئیس دیوان رسالت بود (حسینی کازرونی، ۱۳۸۴، ۷۲۹). ابوبکر قهستانی القاب و نام مناصبی داشته که بیانگر موقعیت او در دربار غزنویان بوده است. از آن جمله شیخ و خواجه که یکی از عناوین بزرگ در آن زمان بوده است (حسینی کازرونی، ۱۳۸۴، ۷۹۹). همزمان با خلع محمد از قدرت توسط برادرش ابوبکر به سمت بغداد می‌گریزد. در سال ۴۳۱ ه.ق. و با روی کار آمدن سلجوقیان، ابوبکر قهستانی مجدد به خراسان باز می‌آید و در دربار آنان نیز به جایگاه می‌رسد (آیتی، ۱۳۷۱، ۱۷۷). با توجه به آنچه از نظر گذشت، می‌توان بر این نظر استوار بود که مناره کرات در سال‌های پایانی قرن ۴ ه.ق به‌دستور شیخ ابوبکر (احتمالاً قهستانی از علما و ادبای دربار غزنویان) در خراسان بر سر راه مواصلاتی خوف به باخرز ساخته شده است. در تأیید سال ساخت این اثر می‌توان به نظر «پوپ» نیز اشاره کرد. «پوپ» در بررسی این مناره، آن را به نیمه اول قرن ۵ ه.ق نسبت می‌دهد. «با توجه به شکل خط کوفی آن و نقشمایه‌های تزئینات آجری‌اش در نیمه اول سده ۵ هجری ساخته شده است. از این رو جلوتر از هجوم سلجوقیان است» (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۲۳۲). برای تحکیم بیشتر این یافته‌ها، می‌توانیم به گنبد «کابووس و میل ایاز» اشاره داشته باشیم که در سده ۴ ه.ق و شمال شرق ایران ساخته شده‌اند. ساختار خط و تزئینات مناره کرات - آجرکاری ساده، ساختمان زاویه‌مند - نوارهای تزئینی شکسته، چندوجهی بودن بنا، بروی تپه ساخته شدن بنا - این بنا را به گنبد کاووس بسیار شبیه کرده است. از طرف دیگر نوع کتیبه، بنا را در طراحی برخی حروف مانند «میم» و «ه» بسیار به گنبد کاووس شبیه می‌کند؛ مخصوصاً شکل طراحی کلمه ثلثمائه (تصاویر ۱۵ و ۱۶) و بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم در این مناره با مقبره «شمس‌المعالی» شباهت دارد. و این امر، هم‌عصر بودن این دو را بیشتر نمایان می‌کند و بر این امر بیشتر می‌توان استوار بود که بنا، یادگاری از قرن ۴ ه.ق است. در کتیبه مناره کرات شواهد دیگر از شباهت این خط به کتیبه «میل ایاز» مربوط به دوره غزنوی مشاهده می‌شود، به‌ویژه در طراحی حروف «واو» و «را» این شباهت را بیشتر می‌توان دید (تصویر ۱۷). «بلر» با توجه به کتیبه «یارتی» گنبد سرخس که مربوط به سال ۴۹۱ ه.ق است، تاریخ این بنا را حدود ۵۰۰ ه.ق اعلام می‌کند. «هم شواهد سبکی و هم محتوای کتیبه را می‌توان پایه انتساب بنا به حوالی سال ۵۰۰ قرار داد. در همین روزگار افراد نه‌چندان عالی‌رتبه

در کار مناره‌هایی بوده‌اند ... در اینجا بانی مناره شیخ است، عالم دین. سبک کتیبه با آن کوفی باوقار و سنگین مزین به ساقه‌های نیزه‌دار دنباله‌های سه‌پر و تزیین روی «ه» یادآور خط کتیبه یارتی گنبد سرخس به تاریخ ۴۹۱ ه.ق و وکیل بازار منتسب به حوالی سال ۵۰۰ ه.ق است» (بلر، ۱۳۹۴، ۳۲۷). لیکن با آنچه در کتیبه این بنا کشف شده است، بنا بی‌شک متعلق به سده ۴ ه.ق است که می‌تواند از بناهای دوره غزنوی یا حکومت‌های همزمان باشد.



تصویر ۱۷. بخشی از کتیبه بازسازی شده مناره  
ایاز. منبع: موسی تبار و صالحی کاخکی،  
۱۳۹۴، ۲۱.



تصویر ۱۶. بخشی از کتیبه گنبد قابوس.  
منبع: نگارندگان.

## نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه درباره مناره کرات مطرح شد و با بررسی‌های به‌عمل آمده در محل مناره و بازسازی‌های تصویری آن به‌وسیله نرم‌افزار نقوش تزیینی به‌کار رفته در آن استخراج و بخش‌های مانده از کتیبه مناره قرائت شد. بنا از حیث محل قرارگیری بر روی تپه، ساختار زاویه‌مند، اجرای جداره‌ها با آجر ساده و نقوش تزیینی محدود و طراحی حروف در کتیبه، با گنبد قابوس و طراحی برخی حروف در کتیبه، با میل ایاز شباهت دارد. با توجه به متن کتیبه بنا متعلق به قرن ۴ ه.ق است. همچنین این پژوهش با خوانش نام شیخ ابوبکر در متن کتیبه آن و بررسی متون تاریخی و شناسایی رجال قهستان و خراسان در بازه زمانی قرن‌های ۴ و ۵ ه.ق به چهار شخص با نام ابوبکر برخورد کرده است: نخست ابوبکر حصیری از ندیمان دربار محمود و مسعود و دیگری ابوبکر نیهی از فقهای سیستان که در جنوب خراسان امروزی و در شهر نهبندان سکونت داشته و از فقهای صاحب‌نفوذ در زمان محمود غزنوی محسوب می‌شود. همچنین ابوبکر خوارزمی از ادبا و فقهای قرن ۴ ه.ق که در دربار بسیاری از امیران زمان حیات خود حضور داشته و مدح گفته است و حدود ۲۰ سال در نیشابور کلاس درس وی برقرار بوده است و در نهایت شیخ ابوبکر قهستانی از فقها و ادبای دربار غزنوی. با توجه به لقب شیخ که برای ابوبکر قهستانی استفاده می‌شده است و همچنین لقب وی که به قهستانی مشهور بوده است؛ همچنین توجه به محل قرارگیری مناره کرات، احتمال بسیار بر صحیح بودن نام ابوبکر قهستانی است. با توجه به خوانش کلمه ثلاثه در متن کتیبه مناره، می‌توان این بنا را به‌عنوان قدیمی‌ترین مناره تاریخ‌دار ایران که در وضعیت مناسبی به‌سر می‌برد، به‌شمار آورد. لازم‌به‌ذکر است با توجه به زمان حیات هر چهار شخص، بازه زمانی ساخت مناره کرات به احتمال بسیار زیاد دوره غزنوی یا حکومت‌های همزمان بوده است و شاید بتوان گفت مناره کرات یک مناره منفرد است که در قرن ۴ ه.ق (احتمالاً در دوره غزنویان) به‌دستور شیخ ابوبکر در بالای تپه‌ای در مجاورت روستای کرات و مشرف بر دشت و جاده ساخته شده است. با توجه به شرفه داشتن این مناره می‌توان برای آن کاربرد استراتژیک مفروض شد. با احتساب

این مناره در زمره آثار غزنوی موجود در خاک ایران، این اثر در کنار مجموعه ارسلان جاذب، دو اثر مربوط به دوره غزنوی هستند که در خاک امروز ایران واقع شده‌اند.

## پی‌نوشت

۱. ساخته شده در سال ۲۳۷ ه.ق دوره عباسیان، سامرا، عراق.
۲. آن را با نام مناره «گور» نیز می‌شناسند، دوره ساسانی، شهر فیروزآباد، استان فارس، ایران.
۳. ساخته شده در سال ۲۴۶ ه.ق دوره عباسیان، سامرا، عراق.
۴. ساخته شده در نیمه قرن ۵ هجری قمری، دوره سلجوقیان، روستای فیروزآباد، شهرستان بردسکن، خراسان رضوی، ایران (کارگری آریان، خزائی، صالحی کاخکی، ۱۴۰۰، ۱۶۱).
۵. ساخته شده در قرن ۴ هجری، دوره غزنویان، سنگ بست، خراسان رضوی، ایران (موسی تبار و صالحی کاخکی، ۱۳۹۴، ۲۴).
۶. ساخته شده به سال ۵۰۵ هجری قمری، دوره سلجوقیان، سبزوار، خراسان رضوی، ایران (کارگری آریان، خزائی، صالحی کاخکی، ۱۳۹۸).
۷. نقشی کهن که با نام‌های گردونه مهر، خورشید آریایی، صلیب شکسته شناخته می‌شود.
۸. قاضی ابوبکر نبهی از فقهای نزدیک به ۴۰۰ ه.ق است (آیتی، ۱۳۷۱، ۱۹۷).
۹. خوارزمی ابوبکر محمد بن عباس ادیب کاتب و شاعر سده ۴ هجری در بیشتر منابع به ابوبکر خوارزمی معروف است. تاریخ تولد وی را به اختلاف سال ۳۲۳ ه.ق ذکر کردند. (صادقی، ۱۳۶۷، ۲۴۹).
۱۰. ابوبکر حصیری از ندیمان و مقربان سلطان محمود غزنوی و پسرش مسعود به تحصیل فقه و حدیث و ادب پرداخته و در این فرمول چندان چیره‌دست شده که فرخی از مهارت او در نویسندگی یاد کرده است و وی را سر اصحاب حدیث و حجت شافعی و سپهر آداب خوانده است (انصاری، ۱۳۶۷، ۲۴۸).

## مشارکت‌های نویسنده

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده ۱ در رشته هنر اسلامی با عنوان «واکاوی کارکرد و مفاهیم ساختار و تزیینات مناره‌های خراسان از قرن چهارم تا ششم هجری قمری» با هدایت نویسندگان ۲ و ۳ در دانشگاه تربیت مدرس تهران است.

## تقدیر و تشکر

این پژوهش فاقد قدردانی و تشکر است.

## تضاد منافع

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

## منابع مالی

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

## منابع

- انصاری، علی میر. (۱۳۶۷). *ابوبکر حصیری، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* (جلد ۵). تهران: مرکز دایرهالمعارف بزرگ اسلامی.
- آیتی، محمدحسین. (۱۳۷۱). *بهارستان در تاریخ تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیا. (۱۳۳۷). *فتوح البلدان* (ترجمه محمد توکل). تهران: نشر نقره.
- بلر، شیلا. (۱۳۹۴). *نخستین کتیبه ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین* (مهدی گلچین عارفی). تهران: فرهنگستان هنر.
- بی نا. (۱۳۶۲). *حدودالعالم من المشرق الی المغرب*. ۳۷۲ ه.ق (بکوشش دکتر منوچهرستوده). تهران: طهوری.
- پوپ، آرتور اپهام. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران* (ترجمه نجف دریابندری). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسینی کازرونی، سید احمد. (۱۳۸۴). *فرهنگ تاریخ بیهقی، تاریخ تمام‌نمای دوره غزنویان*. تهران: زوآر.
- خسروی، خسرو. (۱۳۹۳). *دانشنامه جهان اسلام (جغرافیا)، تایپاد*. تهران: ایران. <https://rch.ac.ir/> تاریخ دسترسی: 17 May 2024.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. (۱۹۸۹). *اشکال العلم (أشکال العالم)* (ترجمه علی بن ع. س کاتب). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- صادقی، مریم. (۱۳۶۷). *ابوبکر خوارزمی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* (جلد ۵). تهران: مرکز دایرهالمعارف بزرگ اسلامی.
- فرجی، علی و اکبری، امیر. (۱۳۹۲). *بررسی میل، مناره‌های خراسان با تاکید بر نقش سازه‌ای و محتوای کتیبه‌های آن‌ها، پژوهشنامه تاریخ، (۳۲)، ۱۱۱-۱۳۶*.
- کارگری آریان، فرهاد، خزائی، محمد و صالحی کاخکی، احمد. (۱۴۰۰). *بررسی و بازخوانی انتقادی کتیبه‌های مناره فیروزآباد ترشیز (بردسکن) و تاریخ گذاری بنا*. ص ۱۴۹-۱۶۲.
- کارگری آریان، فرهاد، خزایی، محمد و صالحی کاخکی، احمد. (۱۳۹۸). *واکوی کارکرد، مفاهیم، ساختار و تزئینات مناره خسروگرد سبزوآباد قرن ۶ هجری. پژوهش‌نامه تاریخ، (۵۶)۱۴، ۱۰۹-۱۳۴*.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک محمود. (۱۳۶۳). *تاریخ گردیزی* (تصحیح عبدالحی حبیبی). تهران: دنیای کتاب.
- لسترنج، گی. (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی* (ترجمه محمود عرفان). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مقدسی، محمد بن احمد. (۱۳۸۵). *احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم، أحسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم* (ترجمه علی نقی منزوی). تهران: کومش.
- موسی تبار، نجمه و صالحی کاخکی، احمد. (۱۳۹۴). *بازنگری پلان و تزئینات مقبره ارسلان جاذب و میل ایاز در دوره غزنوی. هنر و تمدن شرق، (۹)، ۱۱-۲۴*.
- هدایت، رضاقلی خان. (۱۳۸۱). *مجمع الفصحاء* (به کوشش مظاهر مصفا). تهران: امیرکبیر.
- Diez, E. (1918). *churasanische Baudenkmaler mit einem BEITRAGE Von Max Van Berchem*. Berlin: D.Reim.